جزم به استحباب و عدم تنافی آن با صوم واقعی

شاگرد: طبق فرمایش حضرت علی کسی که در اینجا جازم باشد، باز هم تفضل شاملش می‌شود؟

استاد: توضیح بدهید که تفضل چیست.

شاگرد: یعنی جازم هستم که به نیت استحبابی روزه می‌گیرم.

استاد: یعنی بشرط لا از وجوب؟ یعنی اگر بدانم واجب است اصلاً نمی‌گیرم؟!

> 46:17

شاگرد: بالأخره که جازم هست.

استاد: جازم به استحباب است، نه به شرط لا از وجوب. جازم در نیت است، به چه خاطر؟ به‌خاطر اینکه الآن حکم خدا استحباب است. اگر همینجا بفهمد که خدا از او واجب می‌خواهد، نیت می‌کند.

شاگرد: جازم به نیت شعبان است... .

استاد: جازم به نیت شعبان است، به این معنا که او در نیت صوم هذا الیوم تردید ندارد. مرحوم شیخ خوب توضیح می‌دهند. در طهارت و صلات نگاه کنید. می‌فرمایند الیوم دو تا که نیست. الیوم، الیوم است. در اینجا هم به فرمایشات خیلی خوب حاج آقا رضا مراجعه کنید. مرحوم حاج آقا رضا از سائرین فاصله گرفته‌اند. در کتاب الصوم مصباح الفقیه بحث خیلی خوبی دارند. واقعاً لذت‌بخش است. فرمایشات ایشان توضیح وحدت حقیقت صوم و اینکه صوم یک حقیقت بیشتر نیست، است؛ تغایر حقیقت را جواب داده‌اند. مطالب خیلی خوبی در اینجا دارند. حتماً نگاه کنید.

بنابراین «هذا الیوم» دو تا روز نیست. صوم هذا الیوم هم دو تا نیست. مشترک بین دو نیست. یک فرد است، بله اشتراک بالفعل بین دوتا. بعد می‌گویید برای این منفرد نشوم و برای اینکه ترک سنت نکنم، برای اینکه بیخودی در شهر رمضان داخل نکنم، ندب شعبانی را نیت می‌کنم. ببینید او در صوم هذا الیوم جازم است، در این شکی ندارد، هیچ تردیدی هم ندارد. آن را معنون به عنوان استحباب می‌کند. چرا؟ به‌خاطر عنوانی دیگر. و الا اگر آن عنوانی نبود می‌گفت، من امروز را روزه می‌گیرم به نیت هر چه که عند الله است.

شاگرد: آدم عادی است و اصلاً متوجه آن مسائل نیست، به نیت ماه شعبان حتماً روزه می‌گیرد و یک روز هم که بیشتر نیست، چیزی را می‌گیرم که نبوده. یعنی جازماً ماه شعبان را روزه می‌گیرد و اصلاً متوجه روایات هم نبوده که اگر منفرد باشد و... .

استاد: ببینید کسی که درب مغازه میرود تا نان بگیرد. مطمئن هم هست در خانه‌شان نان هست، میگوید من جازما ًامروز نان میگیرم تا ذخیره‌ای برای فردا باشد. به خانه میآید و میبیند که نان نبوده؛ اشتباه کرده، چه میگوید؟ میگوید من نان درست و حسابی نگرفته‌ام؛ این نان هم برای فردا است؟! ای میگوید بهتر که نان گرفتم. یعنی خوب شد که نان گرفتم. «وفقتُ» که نان گرفتم. ولو من تخیل میکردم این برای فردا است، اما میگوید بهتر است. الآن اگر به صائم بگویند تو نیت ندب کردی، اما عند الله واجب بود و ماه مبارک بود، او چه میگوید؟ میگوید بهتر که روزه گرفتم. نمیگوید من جازم به ندب بودم.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 11:23:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 11:25:40 توسط ... .